رویش روان شناسی، سال۱۱، شماره۵، شماره پیاپی ۷۴، مرداد ۱۴۰۱
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),11(5), 2022

پایداری ازدواج بر اساس کیفیت رابطه والدین و دلبستگی: نقش میانجی شخصیت خودشیفته، بیگانگی و تجربه مایی

Marriage Stability Based on the Quality of Parental Relationship and Attachment: The Mediating Role of Narcissistic Personality, Alienation and Experience of Usness

صفحات۱۹۶-۱۸۳

اعظم نوروزی
دانشجوی دکترای مشاوره، گروه مشاوره، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
دکتر نادر منیرپور(نویسنده مسئول)
دانشیار گروه روان شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
دکتر حسن میرزاحسینی
استادیار گروه روان شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

Azam Norouzi
PhD Student in Counseling, Consulting Department, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
Dr. Nader Monirpour*
Associate Professor, Department of Psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.
monirpoor1357@gmail.com
Dr. Hasan Mirzahoseini
Assistant Professor, Department of psychology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی مدل پایداری ازدواج بر اساس کیفیت رابطه والدین و دلبستگی با نقش میانجی خودشیفتگی، بیگانگی و تجربه مایی انجام شد. روش تحقیق از نوع توصیفی–همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دانشجویان متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود که از بین آن‌ها به روش نمونه‌گیری دردسترس ۳۲۵ نفر انتخاب شدند. برای سنجش متغیرهای پژوهش از پرسشنامه‌های شاخص عدم ثبات زناشویی(MII) ادواردز و همکاران (۱۹۸۷)، شخصیت خودشیفته(NPI-16) آمز و همکاران (۲۰۰۶)، اتحاد زناشویی(MAQ) چراغی و همکاران (۱۳۹۶)، کیفیت رابطه والدین(PRQS) آذرین و همکاران (۱۹۷۳) و خرده مقیاس‌های دلبستگی و از خودبیگانگی در پرسشنامه روابط موضوعی بل(BORRTI) (۱۹۹۵) استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی تحلیل مسیر و نرم افزارهای آماری spss ۲۷ و Lisrel ۸.۸ انجام شد. در این مدل کیفیت رابطه والدین رابطه مستقم و معناداری با پایداری ازدواج داشت (P<۰/۰۱) و دلبستگی رابطه مستقم و معناداری با پایداری ازدواج نداشت (P>۰/۰۵)، همچنین کیفیت رابطه والدین و دلبستگی بصورت غیرمستقیم بواسطه از خودبیگانگی، تجربه مایی و خودشیفتگی قادر به پیش‌بینی پایداری ازدواج بود (P<۰/۰۵). یافته‌ها نشان دادند که مدل مفروض برازش مطلوبی دارد. بنابراین یافته‌های پژوهش مبنی بر ارتباط کیفیت رابطه والدین و دلبستگی با پایداری ازدواج بواسطه از خودبیگانگی، تجربه مایی و خودشیفتگی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: *از خودبیگانگی، پایداری ازدواج، تجربه مایی، دلبستگی، شخصیت خودشیفته، کیفیت رابطه والدین.*

Abstract

The aim of this study was to investigate the model of marriage stability based on the quality of parental relationship and attachment with the mediating role of narcissism, alienation, and Experience of Usness. The research method was a descriptive correlation. The statistical population included all married students of the Islamic Azad University of Qom branch in 2020-2021, from which 325 people were selected by available sampling. To measure the research were used the Marital Instability Index (MII) Questionnaire of Edwards (1987), the narcissistic personality questionnaires of Amz (2006), the Marital Alliance Questionnaire (MAQ) by Cheraghi et al (2017), the Parent Relationship Quality Scale, Azrin and et al (2008), and attachment subscales and alienation of Bell subject relations questionnaire (1995). Data were analyzed using descriptive and inferential statistical methods (path analysis) using SPSS27 and Lisrel8.8 software. In this model, the quality of the parent's relationship had a direct and significant relationship with the stability of the marriage (P <0.01). And attachment had no direct and significant relationship with the stability of marriage (P>0.05). the quality of parental relationships and attachment relationships indirectly by mediating the role of alienation, the experience of usness, and narcissism predict the stability of marriage (P<0/05). The results showed that the hypothesized model has a good fit. Therefore, the research findings are based on the relationship between the quality of the parent-child relationship and attachment with the stability of marriage with the mediating role of alienation, the experience of usness, and narcissism.

Keywords: *Alienation, Marriage stability, Experience of Usness, attachment, Narcissism, Quality of parental relationship.*

نوع مقاله : پژوهشی **دریافت : اسفند ۱۴۰۰** **پذیرش: خرداد ۱۴۰۱** **ویرایش نهایی: مرداد ۱۴۰۱**

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.6.1]

مقدمه

ازدواج به عنوان موهبتی بزرگ و مهم‌ترین و عالی‌ترین رسم اجتماعی که از گذشته مورد تاکید بوده است، نیازهای عاطفی و ایمنی افراد بزرگسال و بقای نسل بشر را حفظ می‌کند (فیاض صابری و همکاران، ۲۰۱۹). روابط پایدار و رضایت‌بخش زوجین، ویژگی‌های مثبت بسیاری نظیر سلامت روانی، سلامت جسمانی و رشد را برای اعضای خانواده فراهم می‌آورند. از سوی دیگر تعارضات زوجین و طلاق تهدیدهایی جدی برای روابط زناشویی هستند که ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش کشیده و باعث بروز پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی می‌شوند (رسولی و آراس، ۱۳۹۵). تمرکز بر اینکه چه عواملی باعث پایداری این ازدواج‌ها می‌شود، باعث به دست آمدن تصویری می‌گردد که می‌تواند در امر ایجاد و ترویج ازدواج‌های پایدار در جامعه سازنده باشد (کوبینا[1]، ۲۰۱۹). پایداری ازدواج[2] یکی از شاخص‌های زندگی زناشویی مناسب است (پیائو[3] و همکاران، ۲۰۲۰). پایداری ازدواج یک سازه در روابط زناشویی است که به عنوان باقی ماندن قانونی رابطه ازدواج در یک خانواده (عدم وجود انحلال یا طلاق) در طول زمان تعریف می‌شود (گریگوری[4]، ۲۰۱۹). روابط زناشویی پایدار و رضایتبخش فراهم کننده نتایج مثبت بسیار مانند سلامت روانی مثبت، سلامت جسمی و رشد، برای اعضای خانواده و فراهم شدن محیطی مناسب برای رشد کودکان و ارتقاء رشد و سلامتی سایراعضای خانواده است (میکالیتسیانوس[5]، ۲۰۱۴).

یکی از مهم‌ترین عواملی که بر ثبات، دوام و رشد خانواده اثر می‌گذارد، کیفیت رابطه والدین است. خانواده ساختار اولیه‌ای را فراهم می‌کند که درون آن کودک متولد می‌شود، رشد کرده و پرورش می‌یابد و نوجوان از درون این ساختار راهی دوران بزرگسالی می‌شود. کیفیت روابط والدین با یکدیگر، روابط والدین و فرزندان اصولی اساسی برای سلامت فرزندان به شمار می‌رود. خانواده همچون مجموعه‌ای سازمان یافته با خرده سیستم‌های یکپارچه است که تعاملات درون آن چرخه‌ای بی وقفه از انواع کنش و واکنش را به جریان می‌اندازد که یا به رشد اعضا و افزایش کیفیت روابط آنان می‌انجامد یا در رشد و روابط آنان اخلال ایجاد می‌کند (هاستینگ و اسچنیدر[6]، ۲۰۱۹). شواهد تجربی نشان داده‌اند که فارغ از جدایی یا ادامه‌ی ازدواج والدین، مشکلات هیجانی، رفتاری، اجتماعی، تحصیلی و نیز روابط بین فردی در آینده، متأثر از تعارض بین والدین است (بن[7]، ۲۰۱۹). رویکرد سیستمی نشان می‌دهد که چگونه کیفیت رابطه بین والدین بر ماهیت ارتباط بین و درون دیگر خرده سیستم‌های خانواده تأثیر گذاشته و از آن تأثیر می‌پذیرد. این رویکرد همچنین به تبیین چرایی این احتمال می‌پردازد که آشفتگی در یک رابطه‌ی درون خانواده (مثل رابطه‌ی دو سویه‌ی زناشویی) بر دیگر روابط درون سیستم (روابط دو سویه ی والد- فرزند) تأثیر منفی می‌گذارد (جلالی و همکاران، ۱۳۹۵). یک الگوی رابطه‌ای بدکارکرد در خانواده مثلث سازی[8] است که طی آن وارد کردن فرزند به درگیری بین والدین، به منظور فرونشاندن تنش و بازگرداندن ثبات به خره سیستم زناشویی دچار استرس می تواند به تاثیر منفی تعارضات زناشویی بر فرزندان دامن بزند و روابط فرزندان با همسرانشان را در آینده تحت شعاع خود قرار دهد (خاکپور و محمد نظری، ۱۳۹۴).

متغیر دیگری که می‌تواند با پایداریی ازدواج ارتباط داشته باشد دلبستگی است (هوانگ۹ و همکاران، ۲۰۲۰). تجربیات اولیه هر فردی، تأثیر مهمی بر رشد شخصیت و رفتار او در بزرگسالی دارد. از جمله این تجربیات می‌توان از یک رابطه عاطفی قوی با مراقب اولیه نام برد. رابطه عاطفی قوی و توأم با احساس امنیتی که بین کودک و مراقب وی ایجاد می‌شود، تحت عنوان دلبستگی نامیده می‌شود (نیکیسچ۱۰ و همکاران، ۲۰۲۰). طبق نظریه بالبی دلبستگی پیوند عاطفی و هیجانی نسبتا پایداری است که از طریق تعامل منظم و دائمی والدین با کودک ایجاد می‌شود و می‌تواند به رابطه عاشقانه بزرگسالی فرد انتقال یابد و رفتار، شناخت و هیجانات فرد را در هر مرحله از زندگی و از نوزادی تا بزرگسالی تحت تاثیر قرار دهد (حسینی و علوی لنگرودی، ۱۳۹۶). هوانگ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی نشان دادند که سبک های دلبستگی می تواند در پایداری ازدواج در زوجین رابطه معناداری داشته باشد.

1 Cobbinah
2 Marriage Stability
3 Piao
4 Gregory
5 Michalitsianos
6 Hastings, Schneider
7 Bean
8 triangulation
9 Huang
10 Nickisch

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.6.1]

بنابراین نوع کیفیت روابط والدین و دلبستگی بر شکل گبری صفات شخصیتی در بزرگسالی موثر است که بر روابط زناشویی و ثبات آن تاثیر گذار است. ویژگی شخصیتی خودشیفتگی[1] عامل مهمی بر حفظ پایداری ازدواج است (لاونر[2] و همکاران، ۲۰۱۶). اختلال شخصیت خودشیفته دارای نرخ شیوع بالای ۱۷ درصد در جمعیت بالینی و بین صفر تا ۶/۲ درصد در جمعیت عمومی است (رونینگستام[3]، ۲۰۱۶) که لزوم مطالعه در این حوزه را پررنگ می‌کند. اختلال شخصیت خودشیفته، الگوی فراگیر بزرگ منشی (در عالم خیال یا رفتار) نیاز به تحسین و فقدان همدلی است که از اوایل بزرگسالی شروع می‌شود و در زمینه‌های مختلف بروز پیدا می‌کند (کالیگور و همکاران[4]، ۲۰۱۹). علائم همراه این اختلال ازجمله احساس اهمیت شخصی بزرگ‌منشانه، اشتغال ذهنی با خیال‌پردازی‌های موفقیت، قدرت، اعتقاد به خاص بودن، نیازمند تمجید افراطی، احساس استحقاق، بهره‌کشی در روابط بین فردی، فقدان همدلی، احساس حسادت و رفتارهای خودخواهانه، دچار تغییراتی می‌شود و احتمال آسیب به خود و اقدام به خودکشی را افزایش می‌دهد و کاهش رضایت و کیفیت زندگی شخصی و زناشویی را بدنبال دارد (میلر[5] و همکاران، ۲۰۲۰). کامریانسی[6] (۲۰۱۶)، حسین لو و همکاران (۱۳۹۸)، فرنوش و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود گزارش دادند بین دلبستگی با از خودشیفتگی رابطه معناداری وجود دارد.

کیفیت روابط والدین و نوع دلبستگی ناایمن بوجود آمده در فرزندان یک خانواده متغیر دیگری که می‌تواند با پایداری ازدواج در ارتباط باشد، از خود بیگانگی است (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰). از خود بیگانگی نوعی بیماری روانی است که موجب می‌شود انسان کیفیات و حالات دیگری را به جای واقعیت وجودی خودش بنشاند (وس[7] و همکاران، ۲۰۱۹). افراد از خود بیگانه از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند و نمی‌خواهند هدایت و اراده‌ی خویش را در دست داشته باشند. آنان سعی دارند از آزادی در تفکر یا عدم تفکر، اقدام به عمل یا فرار از آن، بگریزند و آن ها را اموری تحمیلی می‌دانند. از خود بیگانگی موجب پاسخ های روانزاد نامساعد به ناملایمات خاص یا گوناگون است و افراد مبتلا به این اختلال در رویارویی با حوادث و اوضاع از تلاش و یکپارچه کردن سریع اطلاعات ذهنی و هیجانی خود ناتوان هستند. این افراد در روابط بین فردی خود نیز شدیدا احساس ناتوانی شدید می‌کنند (تومه[8] و همکاران ۲۰۱۶). ابراهیمی فر و نامنی (۱۳۹۴) و حاجی‌مرادی (۱۳۹۶) در تحقیقات به این نتیجه رسیدند که بین روابط موضوعی، منجمله از خودبیگانگی، با پایداری ازدواج رابطه معناداری وجود دارد.

ایجاد تعادل بین نقش‌های زن و شوهری و والد و فرزندی در تشکیل خانواده سالم اهمیتی اساسی دارد (رجبی، ۱۳۹۸) به عبارت دیگر کیفیت روابط والدین باعث آموزش مهارت برقراری ارتباط موثر در فرزندان می‌شود همچنین دلبستگی ایمن در ایجاد روابط عاطفی متقابل فرزندان تاثیرگذار است از سوی دیگر تجربه مایی۹ از عوامل موثر بر پایداری ازدواج است (جالووارا و کولو۱۰، ۲۰۱۸). رابطه متقابل من- تو در فلسفه کانت برای نخستین بار مطرح گردید که به رابطه مایی تبدیل شد. در تجربه مایی، رابطه عاطفی بین دو نفر به این شکل اتفاق می افتد که یکی به احوال دیگری طوری نزدیک می‌شود که تجربه و حس طرف مقابل را تجربه و درک می‌کند و این درک را به روشن ترین وجه ممکن به او نشان می‌دهد و این انعکاس رنج و درد را در او کاهش می‌دهد. بعد از انعکاس درک از حس او، موجب کاهش رنج او می‌شود. سپس پیوند افزایش یافته و رضایتمندی از او به من برمی‌گردد و یک نوع تبادل صورت می‌گیرد. من وقتی این رضایت را دریافت کرد، درد و رنج کاهش می‌یابد. این را به تو منعکس می‌کند و باز این چرخه ادامه می‌یابد و این مسئله در آخر منجر به تجربه مایی می‌شود (لیون۱۱، ۲۰۲۰). تحقیقات نشان می‌دهند زوجین که از تجربه مایی بهره مند هستند رابطه متقابل و صمیمی دارند و موجب می شود زوجین احساس مثبت در روابط خود داشته باشند و از روابط خود رضایت بیشتری داشته باشند و سلامت روان در آنها افزایش یابد (گیلدئرسلیو۱۲ و همکاران، ۲۰۱۷).

1 Narcissism
2 Lavner
3 Ronningstam
4 Caligor
5 Miller
6 Cameranesi
7 Vess
8 Tome
9 Experience of Usness
10 Jalovaara, Kulu
11 Leon
12 Gildersleeve

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.6.1]

در جامعه معاصر زوج ها مشکلات شدید و فراگیری را در هنگام برقراری و حفظ رابطه عاشقانه تجربه می کنند. در واقع مشکل رضایت زناشویی و عدم ثبات در ازدواج بیش از هر مقوله روانشناسی دیگر سبب ارجاع جهت مراقبت های بهداشتی روانی می گردد. سازگاری زناشویی و پایداری در ازدواج، بسیاری از مشکلات روانی، عاطفی و اجتماعی خانواده ها و جامعه را کاهش می‌دهد و همچنین ارتقاء سطح رضایت و سازگاری زناشویی و به دنبال آن پایداری در ازدواج موجب می‌شود افراد جامعه با آرامش خاطر بیشتر به رشد و تعالی و خدمات اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی بپردازند و خانواده ها نیز از این پیشرفت سود خواهند برد. از سوی دیگر سیر صعودی آمار طلاق در زوجین چنان نگران کننده و صعودی است که با پژوهش در مورد عوامل مرتبط با پایداری ازدواج می‌توان گام موثری جهت آگاهی و پیشگیری بحران‌ها و روابط ناپایدار زوجین برداشت و علاوه بر این، پژوهش حاضر می‌تواند راهنمای اندیشه تدابیر لازم یرای مراکز کاهش طلاق و افزایش ثبات روابط زناشویی در زوجین باشد. با توجه به اهمیت هر یک از این متغیرها در پایداری ازدواج و از آنجا که روابط منغییرها در مدل حاضر تاکنون در مورد مطالعه قرار نگرفته است؛ محقق آن را یک چالش در نظر گرفته و برای رفع آن، رابطه بین کیفیت رابطه والدین و دلبستگی را با نقش میانجی خود شیفتگی، بیگانگی و تجربه مایی را در قالب یک مدل بررسی کرد. از این رو مدل پیشنهادی می‌تواند فراهم کننده‌ی زمینه‌ی لازم برای طراحی و اجرای برنامه‌های مداخله‌ای جهت ارتقای پایداری ازدواج زوجین باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر این مسئله را مورد بررسی قرار داد که آیا کیفیت رابطه والدین و دلبستگی با میانجی‌گری خود شیفتگی، بیگانگی و تجربه مایی با پایداری ازدواج ارتباط دارد؟

روش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های بنیادی و از لحاظ روش از نوع مطالعات همبستگی است. جامعه آماری را تمامی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ تشکیل دادند و با توجه به نظر استیونس (۲۰۱۲) جهت برآورد حجم نمونه به ازای هر پارامتر ۱۵ نفر به روش نمونه‌گیری دردسترس، دانشجویان متاهلی که بیشتر از سه سال از زمان ازدواج آنها می‌گذشت، انتخاب شدند همچنین به واسطه احتمال ریزش نفرات تعداد نمونه به ۳۳۰ نفر افزایش یافت. معیارهای ورود به تحقیق شامل حداقل سابقه سه سال زندگی مشترک، داشتن سواد کافی برای پاسخ به پرسشنامه و عدم وجود اختلال عمده روانپزشکی تشخیص روانشناس بالینی بود. و معیارهای خروج از پژوهش شامل انصراف از تکمیل پرسشنامه، پرسشنامه‌های مخدوش و ناقص بود. پس از کسب مجوز از مدیریت دانشگاه شرکت‌کنندگانی که داوطلبانه شرایط شرکت در پژوهش را داشتند انتخاب شدند. نیاز به توضیح است که پاندمی کرونا محدودیت در انتخاب سایر روش‌های نمونه‌گیری را بدنبال داشت. کد اخلاق IR.IAU.QOM.REC.1400.032 از کمیته اخلاق در پژوهش دانشگاه آزاد قم اخذ گردید و به دلیل وضعیت همه‌گیری و شیوع ویروس کوید- ۱۹ و شرایط قرنطینه، جهت جمع آوری اطلاعات پرسشنامه‌ها در اواخر پاییز و زمستان ۱۳۹۹ به صورت آنلاین از طریق شبکه‌های مجازی واتساپ و ایتا ویژه دانشجویان دانشگاه توزیع گردید. قبل از تکمیل پرسشنامه‌ها، ملاحظات اخلاقی از جمله آگاه کردن افراد شرکت‌کننده در تحقیق حاضر از اهداف پژوهش، داوطلبانه بودن شرکت در پژوهش اطلاع رسانی شد و به منظور رعایت محرمانه بودن نتایج، نوشتن نام و نام خانوادگی اختیاری بود. در این پژوهش از روش تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزارهای آماری SPSS ۲۷ و Lisrel ۸.۸ استفاده شد.

ابزار سنجش

شاخص عدم ثبات زناشویی[1] (MII): این ابزار ۱۴ سوالی توسط ادواردز[2] و همکاران (۱۹۸۷) ساخته شده است. پرسشنامه از دو قسمت تشکیل شده است. نمره‌گذاری بخش اول پرسشنامه به این صورت است که پاسخ بله نمره ۱ و پاسخ خیر نمره صفر می‌گیرد؛ در قسمت دوم هم در طیف لیکرت ۴ درجه‌ای (۱= هرگز، ۲=گاهی، ۳= معولا، ۴= همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. نمره پایین در این پرسشنامه به معنای پایداری بیشتر ازدواج و زندگی زناشویی و نمره بالاتر بیانگر بالاتر بودن پایداری ازدواج می‌باشد. برای بررسی پایایی از همسانی درونی استفاده شده که ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آمده است (ریحانی و همکاران، ۱۳۹۵) همچنین قزلسفلو و هاشمی (۱۳۹۷)

1 Marital Instability Index (MII)
2 Edwards

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.6.1]

روایی افتراقی پرسشنامه با پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانسر[1](۱۹۷۶) ضریب همبستگی ۰/۵۶- را گزارش کرده‌اند. همچنین روایی همگرایی پرسشنامه با صمیمیت زناشویی ضریب همبستگی ۰/۵۳- گزارش شده است (رضایی و همکاران،۱۳۹۲). پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه و برابر با ۰/۸۷ بدست آمد.

سیاهه روابط موضوعی و واقعیت سنجی بل[2](BORRTI): برای سنجش مقیاس دلبستگی و از خود بیگانگی در پژوهش حاضر از بخشی از پرسشنامه ۹۰ گزینه‌ای پرسشنامه روابط موضوعی و واقعیت سنجی بل (۱۹۹۵) استفاده شد. در پژوهش حاضر فقط از خرده مقیاس‌های بیگانگی (۱۳، ۳۲، ۳۳، ۳۸، ۳۹ و ۴۴) و دل‌بستگی ناایمن (۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۷، ۲۹، ۳۱، ۳۶، ۴۱، ۴۲ و ۴۵) این پرسشنامه استفاده شد. بل(۱۹۹۵) درباره پایایی و روایی این پرسشنامه گزارش نمودند که این ابزار از این جهت که قادر به تفکیک جمعیت بالینی است، از درجه بالایی از اعتبار تفکیکی برخوردار است و همچنین از لحاظ همبستگی بالای آن با دیگر ابزارهای سنجش آسیب‌پذیری روانی، (همبستگی بیگانگی با بهم ریختگی مفهومی و هیجان ۰/۳۰-۰/۲۶) اعتبار هم زمان قابل قبولی را برای آن برآورد نموده‌اند و ضرایب اعتبار بازآزمایی چهارهفته‌ای خرده مقیاس‌های آن را ۰/۵۸-۰/۹۰ و ثبات درونی آنها را ۰/۷۸-۰/۹۰ گزارش شده است. در ایران روایی و پایایی این سیاهه توسط هادی نژاد و همکاران (۱۳۹۳) بررسی شده است که ضریب آلفای کرونباخ را برای، دلبستگی ناایمن و بیگانگی به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۸۵ گزارش کردند. همچنین همبستگی بین سیاهه ۹۰ سؤالی علائم فرم بازنگری شده (SCL-90-R) و خرده مقیاس‌های این پرسشنامه بین ۰/۳۱ تا ۰/۶۸ بود (عینی و همکاران، ۱۳۹۷). پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای دلبستگی و بیگانگی به ترتیب ۰/۷۴ و ۰/۸۵ بدست آمد.

پرسشنامه شخصیت خودشیفته[3] (NPI-16): این پرسشنامه توسط آمز و همکاران[4] (۲۰۰۶) ساخته شده که ۴۰ گویه دارد این پرسشنامه فاقد خرده مقیاس است و خودشیفتگی را بر اساس رویکرد تک‌بعدی ارزیابی می‌کند. NPI-16 متشکل از جفت گویه‌هایی است که پاسخ‌دهنده باید یکی از آن‌ها را انتخاب نماید. ضرایب پایایی باز آزمایی گزارش‌شده توسط سازندگان اصلی در فاصله ۵ هفته ۰/۸۵بوده است. روایی همگرا از طریق محاسبه ضریب همبستگی بین نمرات NPI-16 و نمرات حاصل از شاخص‌های برون‌گرایی و گشودگی نسبت به تجارب جدید مقیاس ۵ عاملی بزرگ شخصیت (BFI) انجام‌شده این ضرایب برای شاخص‌های برونگرایی ۰/۳۲ و گشودگی نسبت به تجارب جدید ۰/۴۱ مجاسبه شده است (آمز و همکاران ۲۰۰۶). در پژوهش محمدزاده (۱۳۸۸) ضریب همبستگی بین نمرات پرسشنامهٔ شخصیت خودشیفته NPI-16 و مقیاس خودشیفتگی MCMI-II برابر ۰/۷۷ گزارش شده است. ضریب پایایی باز آزمایی چهار هفته‌ای، ضریب همبستگی در تعیین پایایی تنصیفی در سنجش همسانی درونی به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۷۴ محاسبه‌شده است. پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از فرمول کودر ریچاردسون محاسبه و برابر با ۰/۷۶ بدست آمد.

مقیاس کیفیت رابطه والدین[5](PRQS): این پرسشنامه توسط آذرین[6] و همکاران (۱۹۷۳) در قالب ۱۰ ماده طراحی شده است. این مقیاس توسط ثنایی (۱۳۸۷) ترجمه شده است، این مقیاس برای مشخص نمودن کیفیت روابط و تعیین میزان خرسندی زن و شوهر مناسب می‌باشد که مسئولیت نسبت به خانواده، پرورش و تربیت فرزندان، فعالیت‌های اجتماعی، پول، ارتباط کلامی و غیرکلامی، روابط جنسی، پیشرفت تحصیلی، استقلال خود، استقلال همسر و خرسندی را اندازه‌گیری می‌کند. نمره گذاری این پرسشنامه در طیف ۱ تا ۱۰ قرار دارد و دامنه نمرات کل بین ۱۰ تا ۱۰۰ است. گزارش سازندگان این پرسشنامه از نتایج مدل تحلیل عاملی تاییدی(CFI)، برازش قابل قبولی(۰/۹۱۶) برای ساختار پرسشنامه گزارش کردندکه روایی پرسشنامه را تایید می‌کند و مقدار همبستگی آن با کیفیت روابط رناشویی اسپنیر ۰/۷۱ بدست آمده است. مقدار پایایی این پرسشنامه به شیوه همسانی درونی (آلفای کرونباخ) ۰/۹۰ به دست آمده (آذرین و همکاران، ۱۹۷۳) و در ایران پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۸ و روایی سازه براساس روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی و با استفاده از چرخش واریماکس، این عامل به تنهایی ۸۷/۳۴ درصد واریانس کل آزمون را تبیین می‌کند. همه ماده‌های پرسشنالمه با نمره کل ضریب همبستگی بیشتر از ۰/۴۰ داشتند و هیچ ماده‌ای از فرم نهایی آزمون حذف نشد (امین‌پور و آذری، ۱۳۹۲). پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۹ بدست آمد.

1 Spanier
2 Bell Oobject Relations and Reality Testing Inventory(BORRTI)
3 Narcissistic Personality Inventory (NPI)
4 Amz and et al
5 Parent Relationship Quality Scale
6 Azrin

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.6.1]

پرسشنامه اتحاد زناشویی[1]**(MAQ)**: برای سنجش تجربه مایی از پرسشنامه اتحاد زناشویی چراغی و همکاران (۱۳۹۶) استفاده شد. این پرسشنامه ۱۷ سوال داشته و طیف نمره گذاری آن براساس لیکرت ۵ گزینه ای است. سوالات ۷، ۱۰، ۱۵، ۱۶ و ۱۷ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. به منظور بدست آورد امتیاز کلی پرسشنامه مجموع امتیازات تک تک سوالات محاسبه می‌شود. امتیازات کلی بالاتر نشان دهنده اتحاد زناشویی بالاتر فرد پاسخ دهنده با همسر خواهد بود و برعکس. سازندگان پرسشنامه، روایی صوری برای اتحاد زناشویی را با استفاده از نظر کارشناسان و اساتید مورد سنجش قرار دادند که ۰/۸۴ بدست آمده و مورد تایید قرار گرفته است همچنین پایایی آن را با روش آلفای کرونباخ، ۰/۹۵ گزارش دادند. پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه و برابر با ۰/۸۱ بدست آمد.

یافته ها

داده‌های جمعیت شناختی نشان می‌دهد ۶۴ درصد (۲۰۸ نفر) از افراد نمونه زن و ۳۶ درصد (۱۱۷نفر)، مرد بودند همچنین ۶۸ درصد (۲۲۱نفر) از شرکت‌کنندگان در پژوهش در فاصله سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، ۲۶/۲درصد (۸۵نفر) از شرکت‌کنندگان در پژوهش در فاصله سنی ۳۱ تا ۴۰ سال، ۵/۸ درصد(۱۹ نفر) از شرکت‌کنندگان در پژوهش در فاصله سنی بیشتر از ۴۱ سال بودند. از نظر مدت ازدواج ۳۸ درصد آنها بین ۵-۳ سال، ۴۱ درصد آنها بین ۶-۸، ۲۱درصد آنها ۹ سال به بالا بود. ۳۹/۷درصد (۱۲۹ نفر) اعضای نمونه دانشجویان کارشناسی، ۳۶/۶ درصد (۱۱۹نفر) دانشجوی کارشناسی ارشد و ۲۳/۷ درصد (۷۷ نفر) دانشجوی دکترا بودند.

برای شناسایی داده‌های پرت تک متغیره از نمودار جعبه ای و آماره ماهالانوبیس هم برای پرت‌های چندمتغیره استفاده شد و داده های پرت حذف شدند، پس از آن تعداد نمونه به ۳۲۵ نفر کاهش یافت. شاخص های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش و ماتریس همبستگی در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و ماتریس همبستگی

همبستگی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
۱.کیفیت	۱						۷۰/۹۸	۲۱/۱۵۳	-۱/۲۰۶	۰/۸۵۲
۲. دلبستگی	-۰/۵۴	۱					۵/۱۹	۲/۹۸۸	۰/۶۲۴	-۰/۱۸۹
۳.	-۰/۰۲	۰/۱۸**	۱				۴/۶۶	۳/۳۷۸	۰/۸۷۴	۰/۴۹۵
۴. بیگانگی	-	۰/۷۱**	۰/۱۸**	۱			۲/۳۸	۱/۸۱۳	۰/۱۳۵	-۰/۶۶۰
۵. تجربه	۰/۲۸**	-۰/۲۴	-۰/۱۲*	-۰/۲۷	۱		۵۵/۴۹	۸/۶۸۸	۰/۱۳۵	۱/۳۳۲
۶. پایداری	-۰/۴۶	۰/۴۱**	۰/۲۳**	۰/۴۵**	-۰/۴۸	۱	۲۳/۰۰	۷/۸۰۵	۰/۹۷۶	۰/۴۳۸

*=p<۰/۰۵ , **=p<۰/۰۱

نکته: نمره بالا در سنجش دلبستگی، نشان دهنده دلبستگی ناایمن بود. و نمره بالا در سنجش پایداری ازدواج نشان دهنده پایداری ازدواج پایین بود.

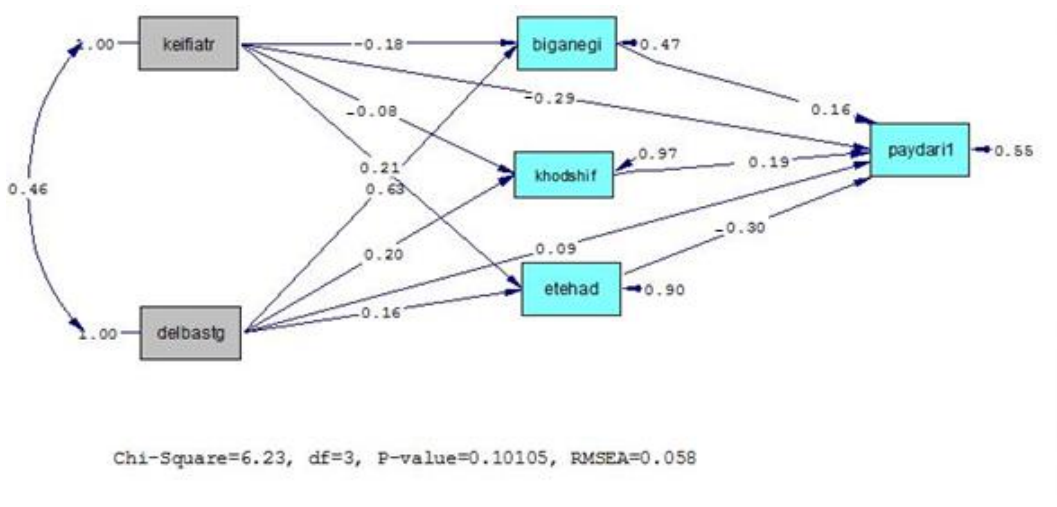
براساس ضرایب همبستگی گزارش شده در ماتریس فوق، تنها متغیر خودشیفتگی با کیفیت رابطه والدین معنادار نیست. رابطه سایر متغیرها با یکدیگر در سطح ۰/۰۵ یا ۰/۰۱ معنادار هستند. شدت ضریب همبستگی طبق طبقه بندی انجام شده (۰/۲۹- ۰/۱۰= کوچک، ۰/۳۰-۰/۴۹=متوسط، ۰/۵۰-۱=بزرگ) در حد کم و متوسط قرار دارند. جهت ضرایب همبستگی هم با مبانی نظری متغیرها همخوانی دارد.

جهت آزمون مدل مفهومی پژوهش و بررسی ارتباط کیفیت رابطه والدین و دلبستگی با پایداری ازدواج با نقش میانجی خود شیفتگی، بیگانگی و تجربه مایی، از روش تحلیل مسیر با روش بیشینه درست نمایی[2] استفاده شد. قبل از استفاده از این روش آماری، پیش فرض های آن شامل نرمال بودن تک متغیری داده ها از طریق شاخص های کجی و کشیدگی(۱+ الی ۱-)، پیش فرض نرمال بودن چندمتغیره با آماره کلموگراف اسمیرنف[3] برای مقادیر باقیمانده‌های استاندارد شده ارزیابی شد که نشان داد متغیرهای پژوهش از توزیع

1 Marital Alliance Questionnaire(MAQ)
2 maximum likelihood
3 Kolmogorov–Smirnov

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.6.1]

نرمال پیروی می‌کنند (P>۰/۰۵). همچنین با هدف تعیین وضعیت همخطی چندگانه متغیرهای پیش‌بین، آماره‌های تحمل و عامل تورم واریانس مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که ارزش‌های تحمل برای تمامی متغیرهای پیش‌بین، بیشتر از ۰/۱ (بین۰/۵۹ تا ۰/۸۱) و مقدار عامل تورم واریانس به دست آمده برای متغیرها، همگی کوچکتر از ۱۰ (بین ۱/۷۳ تا ۲/۲۳) بودند که عدم همخطی چندگانه میان متغیرها را نشان می‌دهد. در راستای بررسی روابط ساختاری متغیرهای مورد مطالعه از روش مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شد. مدل تحقیق در شکل زیر آورده شده است.



شکل ۱- مدل برازش یافته پیش بینی پایداری ازدواج

همانگونه که مشاهده می‌شود در مدل فوق تعداد ده متغیر وجود دارد که تعداد ۶ متغیر به صورت مشاهده‌ای و ۴ متغیر به صورت مکنون یا نهفته هستند این چهار متغیر به متغیرهای خطا که در داخل دایره‌های کوچک در مدل مشخص هستند اختصاص دارند و متغیرهای مشاهده شده در داخل مستطیل‌ها قرار دارند. همچنین تعداد ۶ متغیر به عنوان متغیر برون‌زا یا مستقل و ۴ متغیر به عنوان متغیر درون‌زا با وابسته محسوب می‌شوند.

جدول۲- نتایج مسیرهای مستقیم پژوهش

مسیر		ضریب غیراستاندارد	ضریب استاندارد	T	معناداری
مستقیم	کیفیت رابطه والدین به پایداری ازدواج	-۰/۱۰	-۰/۲۹	۵/۹۶	<۰/۰۰۱
مستقیم	کیفیت رابطه والدین به از خودبیگانگی	۰/۰۱۶	۰/۱۸	۴/۲۸	<۰/۰۰۱
مستقیم	کیفیت رابطه والدین به تجربه مایی	۰/۰۸	۰/۲۱	۳/۵۸	<۰/۰۰۱
مستقیم	کیفیت رابطه والدین به خودشیفتگی	-۰/۰۱۲	-۰/۰۸۱	۱/۲۹	۰/۱۹۵
مستقیم	دلبستگی به پایداری ازدواج	۰/۲۲۹	۰/۰۹۴	۱/۵۱	۰/۱۲۹
مستقیم	دلبستگی به از خودبیگانگی	۰/۳۷۸	۰/۶۲۸	۱۴/۵۷	<۰/۰۰۱
مستقیم	دلبستگی به تجربه مایی	-۰/۴۶۰	-۰/۱۶۳	۲/۷۲	۰/۰۰۶
مستقیم	دلبستگی به خودشیفتگی	۰/۲۲۴	۰/۲۰۳	۳/۲۶	۰/۰۰۱
مستقیم	از خودبیگانگی به پایداری ازدواج	۰/۶۶	۰/۱۶	۲/۶۶	۰/۰۰۸
مستقیم	تجربه مایی به پایداری ازدواج	-۰/۲۶	-۰/۳۰	۶/۸۱	<۰/۰۰۱
مستقیم	خودشیفتگی به پایداری ازدواج	۰/۴۲	۰/۱۹	۴/۵۳	<۰/۰۰۱

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.6.1]

ضرایب استاندارد مسیر مستقیم بین کیفیت رابطه والدین با پایداری ازدواج، خودشیفتگی با پایداری ازدواج، بیگانگی با پایداری ازدواج، تجربه مایی با پایداری ازدواج، دلبستگی با خودبیگانگی، دلبستگی با خودشیفتگی، دلبستگی با تجربه مایی، کیفیت رابطه والدین با از خودبیگانگی و کیفیت رابطه والدین با تجربه مایی در مدل پژوهش معنادار هستند(P<۰/۰۱) و ضریب مسیر مستقیم بین دلبستگی با پایداری ازدواج (P=۰/۱۲)، و کیفیت رابطه والدین با خودشیفتگی (P=۰/۱۹)، در مدل پژوهش معنادار نیستند.

جدول۳- نتایج مسیرهای غیر مستقیم پژوهش با آزمون سوبل

مسیر		Sobel test statistic	p
غیرمستقیم	کیفیت رابطه والدین به پایداری ازدواج با میانجی‌گری خودشیفتگی	۲/۰۴	۰/۰۲۰
غیرمستقیم	کیفیت رابطه والدین به پایداری ازدواج با میانجی‌گری ازخود بیگانگی	۳/۹۲	<۰/۰۰۱
غیرمستقیم	کیفیت رابطه والدین به پایداری ازدواج با میانجی‌گری تجربه مایی	۷/۲۴	<۰/۰۰۱
غیرمستقیم	دلبستگی به پایداری ازدواج با میانجی‌گری خودشیفتگی	۲/۲۴	۰/۰۱۲
غیرمستقیم	دلبستگی به پایداری ازدواج با میانجی‌گری ازخود بیگانگی	۱/۷۲	۰/۰۴۲
غیرمستقیم	دلبستگی به پایداری ازدواج با میانجی‌گری تجربه مایی	۱/۷۶	۰/۰۳۸

یافته‌های گزارش شده در جدول فوق نشان می‌دهد کیفیت رابطه والدین بصورت غیرمستقیم بواسطه خودشیفتگی(P<۰/۰۵)، ازخود بیگانگی (P<۰/۰۱) و تجربه‌مایی (P<۰/۰۱)، پایداری ازدواج را پیش‌بینی می‌کند. همچنین دلبستگی بصورت غیرمستقیم بواسطه خودشیفتگی (P<۰/۰۵)، ازخود بیگانگی (P<۰/۰۵) و تجربه مایی (P<۰/۰۵)، پایداری ازدواج را پیش‌بینی می‌کند

جدول ۴- شاخص های نیکویی برازش مدل ساختاری پژوهش

شاخص‌های برازندگی	(χ2)	df	χ۲/df	RMSEA	GFI	AGFI	IFI	TLI	CFI
مدل اولیه	۶/۲۳	۳	۲/۰۷	۰/۰۵۸	۰/۹۹	۰/۹۵	۰/۹۹	۰/۹۷	۰/۹۹
مقدار قابل قبول	نزدیک به صفر	-	زیر ۳	<۰/۰۸	>۰/۹۰	>۰/۸۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰

شاخص های برازندگی مدل اولیه نشان داد که مقدار شاخص برازندگی شاخص برازندگی ریشه دوم براورد واریانس خطا (RMSEA) برای مدل برابر با ۰/۰۵۸ است که در حد مطلوب (بین ۰/۰۵ تا ۰/۱) است و مقدار شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص تاکر لوییس (TLI)، شاخص برازندگی فزاینده (IFI) شاخص نیکویی برازش (GFI) برای مدل به ترتیب برابر با ۰/۹۹، ۰/۹۷، ۰/۹۹ و ۰/۹۹ است که در حد مطلوب (بزرگتر از ۰/۹۰) است. و شاخص مجذور کای تقسیم بر درجه آزادی (χ۲/df) برابر با ۲/۰۷ است که در حد مطلوب (کمتر از ۳) است. همه شاخص های برازش از مقادیر قابل قبولی برخوردارند و میزان برازش مدل در سطح مطلوب قرار دارد. بنابراین برازش مدل تحقیق تایید می شود. و فرضیه اصلی تحقیق تایید می شود.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.6.1]

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی مدل پایداری ازدواج بر اساس کیفیت رابطه والدین و دلبستگی با نقش میانجی خودشیفتگی، بیگانگی و تجربه مایی انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل ارائه شده با داده‌های تجربی برازش دارد. همه روابط ترسیم شده بین متغیرهای اصلی در مدل تحقیق بجز دو ضریب مسیر بین رابطه دلبستگی با پایداری ازدواج و کیفیت رابطه با والدین با خودشیفتگی از نظر آماری معنادار بودند. علی‌رغم اینکه هیچ مطالعه‌ای تاکنون با هدف عنوان پژوهش حاضر انجام نشده است یافته‌های این پژوهش با نتایج بسیاری از مطالعات که به بررسی بخشی از متغیرهای پژوهش حاضر پرداخته‌اند و همخوان با پژوهش حاضر بود، در ادامه گزارش شده است.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین کیفیت رابطه والدین و پایداری ازدواج رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد، این یافته با نتایج پژوهش شای[1] (۲۰۱۰)، روکاچ و فیلیبرت- لیگنیریس[2] (۲۰۱۵)، فینیچام و می[3] (۲۰۱۷)، اسچرین[4] و همکاران (۲۰۱۸)، پریادهارشینی و جوپالان[5] (۲۰۲۰)، قزلسفلو و هاشمی (۱۳۹۷)، همسو بود. در تبیین این یافته می توان گفت که نظریه پردازان یادگیری اجتماعی بر نفوذ والدین در شکل‌گیری رفتار فرزندان تاکید دارند. به این ترتیب سلامت محیط خانواده اصلی و محتوای یادگیری‌هایی که در بستر آن خانواده اتفاق افتاده است اهمیت زیادی دارد. بنابراین می‌توان بیان کرد که والدین سالم، خانواده‌های سالم را می‌سازند و خانواده‌های سالم، جامعه سالم را. در نتیجه زمانی که یک فرد در بستر یک خانواده سالم پرورش می‌یابد به احتمال زیاد از لحاظ روان‌شناختی و عاطفی رشد مناسبی داشته به بلوغ لازم خواهد رسید تا بتواند فرد دیگری را وارد زندگی خودش کند و تشکیل یک خانواده‌ی جدید را بدهد و این مسئله همانند حلقه‌های زنجیر به همدیگر متصل است و پایداری یک ازدواج و رابطه می‌تواند به تشکیل یک خانواده پایدار کمک کند و فرزندانی که در این بستر رشد می‌کنند به رشد کافی برسند.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که کیفیت روابط والدین بواسطه از خودبیگانگی قادر به پیش‌بینی پایداری ازدواج است هیچ مطالعه‌ای تاکنون با هدف بررسی نقش واسطه‌ای از خودبیگانگی بین کیفیت روابط والدین و پایداری ازدواج انجام نشده است. این یافته با نتایج پژوهش ابراهیمی فر و نامنی (۱۳۹۴)، حاجی‌مرادی (۱۳۹۶)، که به این نتیجه رسیدند که بین از خودبیگانگی با پایداری ازدواج رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد، همسو بود. در تبیین این یافته می توان گفت که، از خودبیگانگی باعث می‌شود که فرد نسبت به خویش، شخصی را مورد مطالعه قرار می‌دهد که از خود دور می‌شود، اعمال او به‌جای آنکه تحت کنترل او باشد بر او مسلط است و او خود را مرکز اعمال فردی خویش نمی‌یابد. به جای اینکه اعمال طبق خواست و اراده‌ی او انجام گیرد. او از اعمالش اطاعت می‌کند، او خود را نظیر همه‌ی مردمی می‌یابد که به عنوان اشیا درک می‌شوند. با احساس‌ها و خواسته‌های مشترک، اما در عین حال در همان زمان او هیچ‌گونه وابستگی و ارتباطی با جهان خارج ندارد؛ یعنی می‌توان گفت رابطه‌ی مناسبی با اطراف خود ندارد و این مسئله می‌تواند در ارتباط با والدین این فرد نیز باشد. این یعنی فرد نمی‌تواند در تعاملات موفق عمل کند زیرا خودش هسته‌ی مرکزی در یک ارتباط نیست و در یک زندگی زناشویی از دیدن فرد مقابل و والدین خودش تا حدود زیادی عاجز است که این بدین معنا خواهد بود که چالش‌های زیادی را برای این فرد ایجاد خواهد کرد که پایداری یک ازدواج را تحت الشعاع عوامل منفی قرار می‌دهد و از دوام آن می‌کاهد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که کیفیت روابط والدین بواسطه تجربه مایی قادر به پیش‌بینی پایداری ازدواج است هیچ مطالعه‌ای تاکنون با هدف بررسی نقش واسطه‌ای تجربه مایی بین کیفیت روابط والدین و پایداری ازدواج انجام نشده است. این یافته با نتایج پژوهش اسکرت[6] (۲۰۱۳)، گیلدئرسلیو و همکاران (۲۰۱۶)، که به این نتیجه رسیدند بین تجربه مایی با پایداری ازدواج رابطه معناداری وجود دارد همسو بود. در تبیین این یافته می توان گفت که، تجربه مایی یعنی یک زوج به چنان فهم و درکی از زوج دیگر می‌رسد که همدیگر را در وجود خودشان می‌بینند. گویی دو نفر یکی هستند. در اصل در این تجربه، تویی وجود ندارد. هر چه هست ماییم. تجربه مایی در روابط زوجین یک مولفه مهم و اساسی است و می‌تواند به انعطاف‌پذیر بودن روابط زوجین کمک نماید. تجربه مایی یک تغییر اساسی از آگاهی

1 Shaye
2 Rokach, Philibert- Lignieres
3 Fincham,May
4 Scheeren
5 Priyadharshini, Gopalan
6 Skerrett

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.6.1]

فردی است که تمرکز آن روی هر دو طرف (زوج) است. یک احساس سالم و مرکب از ما شدن این مهم را القا می‌کند که من هستم و در رابطه وارد شده طرف مقابل را نیز به عنوان کسی از خودم می‌پذیرم. حس ما ممکن است غالبا در سایه ی «من» محور فرو رفته یا پنهان شود. همین تجربه به نوعی می‌تواند در ارتباط با والدین نیز اتفاق بیفتد. بدین صورت که زوجین صرفا خودشان را نمی‌بینند و والدینی که سال‌های سال با آن‌ها زندگی کرده‌اند را به عنوانی بخشی از ارتباط جدید خود که همان ازدواج است قبول می‌کنند و یک تجربه‌ی مایی جدید در ارتباط با والدین خود به وجود می‌آورند. همین مسئله باعث می‌شود که والدین احساس انزوا و از دست دادن فرزند خود را نداشته باشند و تجربه مایی جدید را با نقش جدیدی که فرزندان آن‌ها به عنوان داماد یا عروس به وجود آورده‌اند، تجربه کنند. این تجربه می‌تواند ویژگی‌های مثبت زیادی را در رابطه بین زوجین ایجاد کند، زیرا باعث ارتقا همدلی و فهم دو نفر از همدیگر می‌شود که همین مسئله باعث می‌شود دیالوگ‌های ارتقا دهنده و مناسبی بین دو نفر برقرار شود و در نتیجه رضایت و کیفیت زندگی بین زوج ارتقا پیدا کند و باعث پایداری ازدواج شود.

نتایج پژوهش نشان داد که ضریب مسیر مستقیم دلبستگی با پایداری ازدواج در مدل از نظر آماری معنادار نیست. این یافته با نتایج پژوهش هوانگ و همکاران (۲۰۲۰)، عباسی اصل (۱۳۹۵)، محمدی (۱۳۹۶)، زمانی (۱۳۹۷)، همسو نبود. در تبیین معنادار نشدن این فرضیه از پژوهش می‌توان اذعان داشت با توجه به اینکه نمونه‌ی این پژوهش یک جامعه خاص مربوط به دانشجویان بود و بعضی از سوالات مربوط به پرسشنامه‌ی این متغیر بی پاسخ ماند و همین امر بررسی رابطه بین این دو متغیر در پژوهش حاضر را با مشکل مواجه کرد که نتیجه‌ی آن معنادار نشدن رابطه بین دلبستگی و پایداری ازدواج در دانشجویان متأهل بود. همچنین می‌توان به نوع روش تحقیق این پژوهش نیز اشاره کرد که احتمالا اگر از پژوهش‌های با رویکرد کیفی استفاده می‌شد، احتمالا رابطه‌ی بین این دو متغیر معنادار می‌شد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که دلبستگی بواسطه خودشیفتگی قادر به پیش‌بینی پایداری ازدواج است هیچ مطالعه‌ای تاکنون با هدف بررسی نقش واسطه‌ای خودشیفتگی بین دلبستگی و پایداری ازدواج انجام نشده است. این یافته با نتایج پژوهش کامریانسی (۲۰۱۶)، حسین لو و همکاران (۱۳۹۸)، فرنوش و همکاران (۱۳۹۵) که گزارش دادند بین دلبستگی با از خودشیفتگی رابطه معناداری وجود دارد، همسو بود. از آنجا که برای سنجش دلبستگی در این پژوهش از پرسشنامه بل و همکاران (۱۹۸۵) استفاده شد و در آن سبک دلبستگی ناایمن نشان داده می‌شود، بنابراین نتایج نشان داد که رابطه‌ی معکوسی بین دلبستگی و تجربه مایی وجود دارد. در تبیین این یافته می توان گفت که، با توجه به این که افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن به دیگران اعتماد نمی‌کنند و همیشه یک نوع فاصله هیجانی را از دیگران حفظ می‌کنند و اغلب تنها و متخاصم هستند و همچنین با توجه به این امر که این افراد در دوران کودکی روابط پایدار و باثباتی با والد خود نداشته‌اند و مادر خویش را به عنوان پایگاهی امن مورد استفاده قرار نمی‌دادند، لذا بعدها ویژگی‌هایی مانند غرق در خویشتن شدن‌های شدید، احساس محق بودن، فقدان همدلی و احساس استثمارگری را که از ویژگی‌های شخصیت خودشیفته است را در خود رشد می‌دهند تا در جهت جبران گذشته‌ی پر از محرومیت و محدودیت خویش برآیند. همچنین افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن دوسوگرا چون روابط اجتماعی محدودی داشته‌اند و اغلب از ترک شدن، ترس داشته‌اند و در طول زندگی به شیوه‌ای متناقض با آن‌ها برخورد شده است، لذا تمایل به اتخاذ رویکردی دارند که دیگران را همچون نردبانی برای ترقی خویش در نظر می‌گیرند و به نحوی استثمارگرانه در تعاملاتشان برخورد می‌نمایند. در مقابل افراد دارای سبک دلبستگی ایمن دارای والدینی هستند که بدون قید و شرط به آنها آرامش می‌دهند. آنها به کودکان خود کمک می‌کنند که به کاوشگری بپردازند، نسبت به خواست‌های وی پاسخگو هستند، فضایی امن را برای او فراهم می‌کنند تا به تمرین مهارت‌های جرات ورزی و ابراز وجود بپردازند و هیچ یک از نیازهای وی مبنی بر نشان دادن مهارت‌ها و توانایی‌های او با محدودیت، سرکوبی و ممانعت روبه‌رو نمی‌شود. لذا فرد در فضایی کاملا مطلوب به رشد عزت نفس سالم می‌پردازند. خودشیفتگی نتیجه شکست در ایجاد دلبستگی ایمن کودک با مراقب است.. همچنین می‌توان بیان کرد که افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی که والدینشان دارای سبک بی اعتنا بودند، بیشتر احتمال داشت که ویژگی‌های خودشیفتگی آشکار از قبیل گرایش به استثمارگری و نیاز به تسلط داشتن را در شخصیتشان نشان دهند؛ هر چند که آن‌ها اهمیت کمی برای احساسات و یا افکار دیگران قائلند. از طرف دیگر کودکان با دلبستگی مضطرب دوسوگرای والدین دل‌مشغول نیز بیشتر احتمال دارد که ویژگی‌های خودشیفتگی پنهان از قبیل حساسیت شدید و کمرویی را رشد دهند. اگرچه این افراد نسبت به ارزش خود و اهمیت دیگران مطمئن نیستند. بنابراین می‌توان بیان کرد که دلبستگی اگر به شیوه‌ای درست ایجاد نشود می‌تواند اثرات مخربی بر افراد گذاشته و احتمال خودشیفتگی در بین افراد را بالا ببرد که همین امر باعث می‌شود ثبات روابط در افراد کاهش پیدا کند و پایداری ازدواج دوام مناسبی نداشته باشد زیرا ارتباط مناسبی بین هیچ کدام از افراد با همدیگر به وجود نخواهد آمد.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.6.1]

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که دلبستگی بواسطه ازخود بیگانگی قادر به پیش‌بینی پایداری ازدواج است این یافته با نتایج پژوهش محمدی (۱۳۹۶) و میرزایی و افشاریان (۱۳۹۶)، که نشان دادند بین دلبستگی و از خودبیگانگی رابطه معناداری وجود دارد همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که، دلبستگی ناامن به نوعی باعث می‌شود که افراد نتوانند خود را در دایره‌ی روابط بین خود و افراد مهم زندگی ببینند و در نتیجه تسلطی به محیط نداشته باشند و احساس کنند مثل یک شی هستند و آزادی عملی ندارند زیرا دائم نگران از دست دادن‌ها و توجه نکردن‌ها خواهند بود و احساس از خود بیگانگی در این افراد بیشتر خواهد شد زیرا دائم در تلاش برای ابراز وجودی هستند. این سبک از دلبستگی با از بین بردن بستری امن برای افراد باعث می‌شود که آن‌ها آزادی عمل نداشته باشند و برای تسلط بر محیط اقدام نکنند و به دنبال شناخت هر چه بهتر خود نباشند و در نتیجه احساس از خودبیگانگی داشته باشند و یا بیشتر آن را تجربه کنند، در نتیجه در روابط خود نمی‌توانند عمکرد مناسبی داشته باشند و پایداری ازدواج آن‌ها دوام نخواهد داشت.

همچنین نتایج پژوهش حاضر نشان داد که دلبستگی بواسطه تجربه مایی قادر به پیش‌بینی پایداری ازدواج است این یافته با نتایج پژوهش اسکرت (۲۰۱۳)، گیلدئرسلیو[1] و همکاران (۲۰۱۶)، هوانگ و همکاران (۲۰۲۰)، که به این نتیجه رسیدتد بین دلبستگی و تجربه مایی رابطه معناداری وجود دارد همسو بود. در تبیین این یافته می‌توان گفت که، در تجربه مایی افشاگری شخصی همراه با تاکید بر پذیرش و احترام است. رابط عاطفی بین دو نفر به محض مواجهه به این شکل اتفاق می‌افتد که من به حال تو نزدیک می‌شوم و تجربه و حس تو را تجربه و درک می‌کنم و این درک را به روشن‌ترین وجه ممکن به تو نشان می‌دهم و این انعکاس رنج و درد را در تو کاهش می‌دهد. بعد از انعکاس درک من از حس تو موجب کاهش رنج تو می‌شود. سپس پیوند افزایش یافته و رضایتمندی از تو به من برمی‌گردد و یک نوع تبادل صورت می‌گیرد. من وقتی این رضایت را دریافت کرد، کاهش درد و رنج می یابد. این را به تو منعکس می کند و باز این چرخه ادامه می یابد و این مسئله در آخر منجر به تجربه مایی می‌شود. زمانی که سبک درستی از دلبستگی ایجاد نشده باشد، درنتیجه نمی‌توان انتظار داشت که تجربه مایی شکل بگیرد زیرا همانطور که گفته شد، تجربه مایی نیاز به رابطه‌ی عاطفی بین دو شخص دارد که در هم ادغام شود، بنابراین دلبستگی بواسطه‌ی تجربه مایی با پایداری ازدواج رابطه معناداری دارد.

تشکیل خانواده‌های پایدار، پویا و بانشاط لازمه وجود یک جامعه سالم است. افزایش پایداری در ازدواج موجب می‌شود بسیاری از مشکلات روانی، عاطفی و اجتماعی خانواده‌ها و همچنین کل جامعه کاهش یابد. عوامل متعددی در پایداری ازدواج موثرند. براساس نتایج تحقیق حاضر، کیفیت رابطه والدین و دلبستگی بواسطه خودشیفتگی، ازخود بیگانگی و تجربه مایی قادر به پیش‌بینی پایداری ازدواج در زوجین است. بنابراین جهت افزایش پایداری ازدواج، توجه بر نقش متغیرهای کیفیت رابطه والدین، دلبستگی، خودشیفتگی، ازخود بیگانگی و تجربه مایی ضروری است.

از محدویت‌های پژوهش حاضر عدم استفاده از سایر روش‌های نمونه‌گیری تصادفی بنا به شرایط خاص شیوع کرونا بود. همچنین تاثیر ویژگی‌های فرهنگی، اقتصادی، جنسیت، مورد بررسی قرار نگرفته است و اثرات این متغیرها کنترل نشده است. اضطراب و استرس بالای ابتلا به کرونا در شرایط پاندمی و عدم کنترل این متغیر از دیگر محدودیت‌های پژوهش است. این پژوهش بر روی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم انجام گرفته، بنابراین در تعمیم این یافته به جامعه‌های دیگر بایستی احتیاط شود. در راستای محدودیت‌های پژوهش حاضر پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های بعدی ضمن استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، متغیرهای مداخله‌گر نظیر سطح فرهنگی و اقتصادی، جنسیت، مدنظر قرار گیرد همچنین پژوهشی مشابه در شرایط عادی و بدور از اضطراب ناشی از پاندمی صورت گیرد. علاوه بر این، اجرای پژوهش حاضر در دیگر شهرهای کشور می‌تواند نقش تفاوت‌های فرهنگی را در کنار متغیرهای پژوهش حاضر، مشخص نماید همچنین برنامه‌های مدون مشاوره و روانشناسی در دانشگاه‌ها برای متاهلین در جهت ارتقای پایداری ازدواج و تدوین برنامه‌های ارتقای پایداری ازدواج در زوجین، و نیز آشنایی زوجین با انواع متغیرهای پیش‌بین در پایداری ازدواج، از دیگر پیشنهادات کاربردی پژوهش می‌باشد.

منابع

ابراهیمی فر، م؛ نامنی، ا. (۱۳۹۴). بررسی نقش روابط موضوعی اولیه و ناگویی هیجانی در پیش بینی صمیمت زناشویی. *دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی*. civilica.com/doc/493789

1 Gildersleeve

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.6.1]

امین پور، م. آذری. (۱۳۹۲). اعتبارسنجی پرسشنامه ی خرسندی زناشویی. بهداشت روانی, ۱(۴), ۲۸-۲۱.

ثنایی، ب. (۱۳۸۷). مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.

جعفری سلطان آبادی, آ؛ منیرپور, ن؛ میرزاحسینی, ح. (۱۴۰۰). ارتباط بین حس خوشبختی زوجین با تمایزیافتگی خود و روابط موضوعی اولیه با نقش میانجی رضایت زناشویی مذهبی .*خانواده درمانی کاربردی*.۲(۱)، ۱۵۹-۱۷۶.doi: 10.22034/aftj.2021.283679.1076

جلالی, ای؛ احدی, ح؛ کیامنش, ع. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر آموزش خانواده مبتنی بر رویکرد اولسون بر بهبود انطباق و انسجام خانواده .*فصلنامه علمی - پژوهشی روشها و مدلهای روانشناختی*، ۷(۲۴)،۱-۲۲.https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285516.1395.7.24.1.3

چراغی، م.، و مظاهری، م.، و موتابی، ف.، و پناغی، ل.، و صادقی، م.، و سلمانی، خ. (۱۳۹۶). مقیاس سیستمی-مثلثی خانواده: ابزاری برای سنجش روابط همسران و خانواده‌های اصلی آن‌ها. *خانواده‌پژوهی*,۱۳(۵۱),۳۴۳-۳۶۰.*https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=310698*

حاجی مرادی، ر. (۱۳۹۶). *تدوین مدلی برای تبیین تعارضات زناشویی بر اساس نحوه ابراز هیجانات و روابط موضوعی در زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره*. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه روانشناسی. دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی. دانشگاه بوعلی سینا.

حسین لو، ز.، و آزادیکتا، م.، و نصرالهی، ب. (۱۳۹۸). بررسی رابطه سبک های دلبستگی و طرحواره های ناسازگار اولیه با بروز ویژگی های شخصیت خودشیفته در دانشجویان‌دانشگاه‌های‌تهران. *مطالعات روانشناختی*,۱۵ (۳),۱۴۱-۱۵۰ *https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=509808*

حسینی, ف؛ علوی لنگرودی, س ک. (۱۳۹۶). نقش سبک های دلبستگی و رضایت جنسی در رضایت زناشویی با واسطه گری عشق ورزی . مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان. ۱۵(۳)، ۱۶۵-۱۸۸.https://dx.doi.org/10.22051/jwsps.2018.12335.1332

رجبی، ف. (۱۳۹۸). پیش بینی نگرش به خیانت بر اساس صمیمیت و سازگاری زناشویی با لحاظ نقش میانجی بازداری هیجانی و معیارهای سرسختانه. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه روانشناسی. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم.

رسولی, آراس. (۱۳۹۵). تدوین مدل بومی کارکرد خانواده بر اساس مولفه های امید، صمیمیت و تعارض های زناشویی در زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه. *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*, ۷(۲۷), ۳۹-۶۰. https://dorl.net/dor/20.1001.1.20088566.1395.7.27.3.1

رضایی، ز؛ بوستانی پور، ع؛ و حبیبیان، ف. (۱۳۹۲). بررسی نقش اعتماد و صمیمیت زناشویی در پیشبینی ازدواج در زنان و مردان متاهل. نشریه پژوهشهای مشاوره،۱۲(۴۷)،۶۹-۸۲. https://civilica.com/doc/1213174

ریحانی، ر؛ سلیمانیان، ع؛ و نظیفی، م. (۱۳۹۵). پیش بینی بی ثباتی ازدواج براساس مهارت تنظیم هیجانی و سبک های هویتی. فصلنامه پژوهش های روانشناسی بالینی و مشاوره،۶(۱)، ۶۰-۷۶.https://dx.doi.org/10.22067/ijap.v6i1.51140

زمانی، ط. (۱۳۹۷). *دلبستگی زوجین و خیانت در فضای مجازی: نقش واسطه ای دلزدگی زناشویی، الگوهای ارتباطی و آشفتگی زناشویی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه روانشناسی. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. دانشگاه کردستان.

عباسی اصل، م. (۱۳۹۵). *رابطه رضایت جنسی، صمیمت زناشویی و سبک های دلبستگی با بی ثباتی ازدواج زنان متأهل*. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه روانشناسی. دانشکده روانشناسی. دانشگاه خوارزمی.

فرنوش، ف.، و حسینایی، ع.، و بهرامی، م. (۱۳۹۵). میزان شیوع اختلالات شخصیت و رابطه ی آن با سبک های دلبستگی در مراجعین به کلینیک های روانشناختی شهر تهران. تازه های علوم شناختی, ۱۸(۲ (مسلسل ۷۰)), ۴۱-۵۲. *https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=348843*

قزلسفلو، م؛ هاشمی، س. (۱۳۹۷). پیش بینی های بی ثباتی ازدواج: بی آلایشی زوجین و راهبردهای حفظ رابطه . *دو فصلنامه مشاوره کاربردی*، ۸(۱)، ۱-۱۸.*https://dx.doi.org/10.22055/jac.2018.24123.1535*

محسن زاده، ف.، و نظری، ع.، و عارفی، م. (۱۳۹۰). مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشوئی و اقدام به طلاق, (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان), ۱۴(۵۳ (گروه اجتماعی)), ۷-۴۲ https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=157859 .

محمدزاده. (۱۳۸۸). اعتبارسنجی پرسشنامه ی شخصیت خودشیفته (NPI-16) در جامعه ی ایرانی. *مجله اصول بهداشت روانی*, ۱۱(۴۴), ۲۷۴-۲۸۱.http://jfmh.mums.ac.ir/article_1131.html

محمدی، ز. (۱۳۹۶). *نقش واسطه ای الکسیتیما در ارتباط سبک های دلبستگی و تعارضات زناشویی در زوجین متقاضی طلاق*. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه روانشناسی. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان.

میرزایی, ع. افشاریان، ن. (۱۳۹۶). رابطه کیفیت دلبستگی و ازخودبیگانگی روانی با رفتارهای جامعه‌ستیزانه در دانش‌آموزان. *فصلنامه علمی-پژوهشی خانواده و پژوهش*, ۱۴(۴), ۴۷-۶۸.*http://noo.rs/S1ipr*

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.6.1]

هادی نژاد, ح. طباطباییان, م. دهقانی، م. (۱۳۹۳). بررسی مقدماتی روایی و پایایی پرسشنامه روابط موضوعی و واقعیت‌آزمایی بِل. *مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران*, ۲۰(۲), ۱۶۲-۱۶۹.http://ijpcp.iums.ac.ir/article-1-2184-fa.html

Ames, D. R., Rose, P., & Anderson, C. P. (2006). The NPI-16 as a short measure of narcissism. *Journal of research in personality*, *40*(4), 440-450. https://doi.org/10.1016/j.jrp.2005.03.002

Azrin, N. H., Naster, B. J., & Jones, R. (1973). Reciprocity counseling: A rapid learning-based procedure for marital counseling. *Behavioral Research and Therapy*, *11*(4), 365-382. https://doi.org/10.1016/0005-7967(73)90095-8

Bean, R. C. (2019). *Relationship Maintenance Behaviors and Marital Stability in Remarriage: The Examination of Stepfamily Constellations and Associated Challenges* (Doctoral dissertation, Utah State University). https://www.proquest.com/indexinglinkhandler/sng/au/Bean,+Ron+C/$N

Bell, M. D. (1995). *Bell Object Relations and Reality Testing Inventory* (BORRTI): Manual.Los Angeles, CA: Western Psychological Services. nctsn.org/measures/bell-object-relations-and-reality-testing-inventory

Caligor, E., Clarkin, J.F., Yeomans, F.E. (2019). Chapter 10: Transference-focused psychotherapy for borderline and narcissistic personality disorders. *Contemporary Psychodynamic Psychotherapy*, 12(5),149-161. https://doi.org/10.1016/B978-0-12-813373-6.00010-6

Cameranesi, M. (2016). Battering typologies, attachment insecurity, and personality disorders: A comprehensive literature review. *Aggression and Violent Behavior*, *28*, 29-46. https://doi.org/10.1016/j.avb.2016.03.005

Cobbinah, J. E., & Osei-Tutu, E. M. (2019). Pre-marital counselling and sustainability of marriages in contemporary Ghanaian society. *International Journal of Political Activism and Engagement (IJPAE)*, *6*(1), 52-64. https://www.igi-global.com/gateway/article/227754

Edwards, J. N., Johnson, D. R., & Booth, A. (1987). Coming apart: A prognostic instrument of marital breakup. Family Relations, 168-170. https://doi.org/10.2307/583948

Eini, S., Narimani, M., Ata Dokht, Ak., Bashirpour, S & Sadeghi Movahed, F. (2018). The effectiveness of cognitive-analytic therapy on ego power and thematic relationships in people with borderline personality disorder. *Urmia Medical Journal*, 29 (1), 11-1. http://umj.umsu.ac.ir/article-1-4286-en.html

Fayyaz Saberi, Mh., Touzandeh Jani, H., Samari, AA., and Nejat, H. (2019). Predicting the stability of marriage based on marital adjustment and sexual self-expression mediated by emotional intelligence. Clinical Psychology and Counseling Research, 9 (2), 56-70. https://www.sid.ir/en/journal/ViewPaper.aspx?id=733542

Fincham, F.D., May, R.W. (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current Opinion in Psychology*, 13, 70–74. https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.03.008

Ghezelseflo, M & Hashemi, S. (2018). Prediction of marital instability: Couple intimacy and relational maintenance strategy. *Biannual Journal of Applied Counseling*, 8(1), 1-18. https://dx.doi.org/10.22055/jac.2018.24123.1535.

Gildersleeve, S., Singer, J. A., Skerrett, K., & Wein, S. (2017). Coding "We-ness" in couple's relationship stories: A method for assessing mutuality in couple therapy. *Psychotherapy research*, *27*(3), 313-325. https://doi.org/10.1080/10503307.2016.1262566

Gregory, K.A. (2019). *Sustainable African American Marriages: Evaluating the Impact of Closeness to God and Religiosity on Marital Satisfaction and Longevity*. A Dissertation Presented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Education. https://digitalcommons.liberty.edu/doctoral/2302/

Hastings, O. P., & Schneider, D. (2021). Family Structure and Inequalities in Parents' Financial Investments in Children. *Journal of Marriage and Family*, *83*(3), 717-736. https://doi.org/10.1111/jomf.12741

Huang, C.Y., Sirikantraporn, S., Abaock, N., Cobb, J.M.T. (2020). Parental Attachment, Adult-Child Romantic Attachment, and Marital Satisfaction: An Examination of Cultural Context in Taiwanese and Thai Heterosexual Couples. *International Journal* of *Environmental Research and Public Health*, 17, 1-13. https://doi.org/10.3390/ijerph17030692

Jalovaara, M., Kulu, H. (2018). Separation Risk over Union Duration: An Immediate Itch? European Sociological Review, 34(5), 486- 500. https://doi.org/10.1093/esr/jcy017

Khakpour, I., Nazari, A & Zahra Kar, K. (2014). The Prediction of marital adjustment based on triangulation and structure of power in a family. *Thoughts and Behavior in Clinical Psychology*, 9(33), 37-46. (persian). https://jtbcp.riau.ac.ir/article_98.html?lang=en

Lavner, J.A., Lamkin, J., Miller, J.D., Campbell, W.K., Karney, B.R. (2016). Narcissism and Newlywed Marriage: Partner Characteristics and Marital Trajectories. *Personal Disord*, 7(2), 169- 179. https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/per0000137

León, F. (2020). For-me-ness, for-us-ness, and the we-relationship. *Topoi*, *39*(3), 547-558. https://link.springer.com/article/10.1007/s11245-018-9556-2#citeas

Li, C., Jiang, S., Fan, X. (2018). Exploring the impact of marital relationship on the mental health of children: Does parent–child relationship matter? *Health Psychology*, 28(2), 126-156. https://doi.org/10.1177/1359105318769348

Michalitsianos, N. (2014). *Resiliency: A resource for promoting marriage satisfaction* (Doctoral dissertation, Kean University). https://www.proquest.com/openview/2709425124d9646f8efd6a032a17e1eb/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750

Miller, J.D., Widiger ,T.A., Campbell, W.K. (2020). Narcissistic personality disorder and the DSM-V. *J Abnorm Psychol*, 119(4), 640-9. https://psycnet.apa.org/buy/2010-19344-001

Nazari, A., and Sahebdel, H., and Asadi, M. (2010). Investigating the relationship between attachment styles and marriage instability in married men and women. Women and Family Studies, 2 (8), 115-125.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.6.1]

https://www.sid.ir/en/Journal/ViewPaper.aspx?ID=296399

Nickisch, A., Palazova, M., Ziegler, M. (2020). Dark personalities–dark relationships? An investigation of the relation between the Dark Tetrad and attachment styles. *Personality and Individual Differences*, 1671, 110-120. https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110227

Nimtz, M. A. (2011). *Satisfaction and contributing factors in satisfying long-term marriage: a phenomenological study*. Liberty University. https://www.proquest.com/openview/1d9aa951e90037ec274b23cb86eec040/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750

Piao, X., Ma, X., Zhang, C., Managi, S. (2020). Impact of Gaps in the Educational Levels between Married Partners on Health and a Sustainable Lifestyle: Evidence from 32 Countries. *Sustainability*, 12, 1-20. https://doi.org/10.3390/su12114623

Priyadharshini, S., Gopalan, R. T. (2020). Marital Adjustment, Love, Personal Intimacy, Personality, Dyadic Coping and Spirituality on Marital Stability. *Asian Journal of Advanced Research and Reports*, 7(4),1-16. *https://doi.org/10.9734/ajarr/2019/v7i430186*

Rokach, A., & Philibert-Lignières, G. (2015). Intimacy, loneliness & infidelity. *The Open Psychology Journal*, *8*(1). *https://openpsychologyjournal.com/VOLUME/8/PAGE/71/*

Ronningstam, E. (2016). Pathological narcissism and narcissistic personality disorder: Recent research and clinical implications. *Current Behavioral Neuroscience Reports*, 3(1): 34-42. https://link.springer.com/article/10.1007/s40473-016-0060-y#citeas

Scheeren, P., Apellániz, I. D., & Wagner, A. (2018). Marital infidelity: The experience of men and women. *Trends in Psychology*, *26*, 355-369. *https://doi.org/10.9788/TP2018.1-14Pt*

Sharoni M, R., Shukri, O., Hosseinzadeh Taghvaei, M., Danesh, E & Borjali, A. (2020). Pattern of structural relationships in marital conflict in relation to attachment and narcissism styles and excitement with boredom in couples referring to counseling centers. *Journal of Disability Studies*, 10, 36-23. (persian). http://dorl.net/dor/20.1001.1.23222840.1399.10.0.147.6

Shaye, A. (2009). *Infidelity in dating relationships: Do big five personality traits and gender influence infidelity?*. Alliant International University, Los Angeles. *https://www.proquest.com/openview/2271b42ce61fc72844d78f5363cf5e31/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750*

Skerrett, K. (2013). *Resilient relationships: Cultivating the healing potential of couple stories. In J. Jordan & J. Carlson (Eds.), Creating connection: A relational-cultural approach with couples*. New York, NY: Routledge.

Skipper, A.D. (2017). *The Role of Religious Coping in the Marital Stability of Strong, African American Couples: A Strengths-Focused Approach*. A Dissertation Submitted to the Graduate Faculty of the Louisiana State University and Agricultural and Mechanical College in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in The School of Social Work. https://digitalcommons.lsu.edu/gradschool_dissertations/169/

Spanier, G. B. (1976). Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and the Family*, 15-28. https://www.jstor.org/stable/350547

Stevens, J. P. (2012). *Applied multivariate statistics for the social sciences*. Routledge. https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=oIeDhzDebKwC&oi=fnd&pg=PR1&dq=James+Stevens+2012&ots=lJ0Ps5Jxe8&sig=MHYH4nGLffn827l8YGjOCj04qKs#v=onepage&q=James%20Stevens%202012&f=false

Tome, G., Matos, M., Camacho, I., Simoes, C. (2016). Alienation and Well-Being in Adolescents. Social Isolation Is a Risk? *Human Journals*,5(1),1-15. https://www.researchgate.net/publication/327106557_Alienation_and_Well-Being_in_Adolescents_Social_Isolation_Is_a_Risk

Vess, M., Brooker, R.J., Schlegel, R.J., Hicks, J.A. (2019). Daily mental lapses and the subjective experience of true self-alienation. *Journal of Research in Personality*, 78, 148-152. https://doi.org/10.1016/j.jrp.2018.11.009

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.2383353.1401.11.5.6.1]